

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 3, Spring 2021, 71-95
Doi: 10.30465/crtls.2021.31590.1892

Application of the meta-theoretical approach in the Review of Islamic management books

**(Case study: “Islamic Management Book”, Author: Seyed Ali Akbar
Afjehee)**

Sadegh Hassani Moghaddam*

Rohollah Tavallae , Gholam Reza Godarzi*** , Meysam Babae******

Abstract

In recent years, for various reasons, including the introduction of management in the West as an independent science and also due to the social needs of Islamic societies to use Islamic management in the management of society and organizations, some Islamic scholars have tried to write books on Islamic management. Authors try to write books which consider the presuppositions of various theories and in this regard, one of the valuable books in this field is the book "*Islamic Management*" which is our concern in this article. The present book focuses on different types of views on Islamic management as well as different trans-theoretical views on Islamic management. This book also deals with formal, theoretical, and content critique through the application of meta-theoretical technique and the method of content analysis of the book. Finally, it is suggested that

* PhD Candidate in Systems Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
adeqh140@chmail.ir

** Associate Professor, Imam Hussein University, PhD in Industrial Management (Production and
Operation), tavallae.r@gmail.com

*** Full Professor at Imam Sadegh (AS) University, PhD in Industrial Management (Operation research),
rgodarzi@isu.ac.ir

**** PhD in Industrial Management (System Orientation), Lecturer at Noor Hedayat Shahrekord University,
mey3m.babae@gmail.com

Date received: 2020-11-30, Date of acceptance: 2021-04-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article.
This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of
this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box
1866, Mountain View, CA 94042, USA.

technical and literary editing of the book are needed, more attention should be paid to the richness of the book content and the issue of task orientation would be discussed in the chapters related to planning, supervision, and control.

Keywords: Islamic Management, Metatheory, Book Criticism, Islamic Management Books



کاربست رویکرد فراتئوری در نقد و بررسی کتب مدیریت اسلامی

(مورد مطالعه: کتاب مدیریت اسلامی، تألیف سید علی اکبر افجه‌ای)

صادق حسینی مقدم*

روح الله تولایی**، غلامرضا گودرزی***، میثم بابایی فارسانی****

چکیده

در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی از جمله مطرح‌شدن مدیریت در غرب به عنوان یک دانش مستقل و نیز به دلیل ضرورت‌های اجتماعی جوامع اسلامی برای بهره‌گیری از مدیریت اسلامی در اداره جامعه و سازمان‌ها، برخی از دانشمندان اسلامی کوشیده‌اند کتاب‌هایی را با محتوای مدیریت اسلامی با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های نظریه‌ای گوناگون، تألیف نمایند که در این راستا یکی از کتاب‌های ارزشمند در این زمینه، کتاب "مدیریت اسلامی" افجه‌ای می‌باشد. در این مقاله، ضمن بررسی اجمالی کتاب حاضر و با بیان نوع نگاه‌ها به مدیریت اسلامی و همچنین نگاه‌های فرانظریه‌ای متفاوت به مدیریت اسلامی، به نقد شکلی، نظری و محتوایی، از طریق کاربرد تکنیک فراتئوری و استفاده از روش تحلیل محتوای اثر، به این کتاب پرداخته شده و در پایان پیشنهاد گردیده، ضمن

* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
sadegh140@chmail.ir

** دانشیار دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران، دکتری مدیریت
صنعتی (گرایش تولید و عملیات)، tavallae.r@gmail.com

*** استاد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران، دکتری مدیریت صنعتی (گرایش تحقیق در عملیات)،
rgodarzi@isu.ac.ir

**** دکترای مدیریت صنعتی (گرایش سیستم‌ها)، مدرس دانشگاه غیرانتفاعی نور هدایت شهرکرد،
mey3m.babae@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

ویراستاری فنی و ادبی اثر مورد نظر، به غنای محتوای کتاب توجه بیشتر شود و موضوع تکلیف‌گرایی در فصول مربوط به برنامه‌ریزی و نظارت و کنترل مورد بحث قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اسلامی، فراتئوری، نقد کتاب، کتب مدیریت اسلامی

۱. مقدمه

روند رو به رشد آثار و کتب منتشر شده‌ی مدیریت اسلامی در کشور، از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی و همچنین در دوران دفاع مقدس امری محسوس بوده است و در این دوران گذار، نویسندگان این حیطه، ضمن تولید ادبیات نظری لازم برای ترویج مدیریت اسلامی، همواره در حال انتقال مفاهیم به عرصه‌های به‌روزتر و متناسب با نیاز جامعه می‌باشند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). یکی از نویسندگان پیشگام در این عرصه، علی‌اکبر افجه‌ای می‌باشد که هسته‌ی اولیه‌ی کتاب "مدیریت اسلامی" ایشان برای اولین بار پیش از انقلاب و در دوران دانشجویی‌شان و با تشویق و ترغیب شهید بهشتی (ره) منعقد گردید و علاقه‌ی ایشان به مباحث مدیریت اسلامی باعث گردید که پایان‌نامه‌اش را در دوره دکتری در زمینه‌ی مدیریت اسلامی بنویسد (به نقل از خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲/۰۹/۱۹).

کتاب مدیریت اسلامی افجه‌ای، با توجه به قدمت و پیشگامی آن در میان کتب مدیریت اسلامی دانشگاهی، می‌تواند بعنوان نمونه و سوژه‌ای ارزشمند برای نقد تلقی شود. چرا که نقد اثر، یعنی ارزشمند بودن و در معرض دید بودن کتاب و نویسنده‌ی اثر و ناقد اگر با انصاف مطالب را بررسی کند و عمقی نگر باشد نقاط ضعف و قوت را بگوید، بالاترین و ارزشمندترین کمک را به نویسنده انجام داده است. ضمن اینکه بررسی و نقد کتاب مورد اشاره، در قالب یک روش‌شناسی علمی و معتبر و همچنین نظر به اینکه اثر مربوطه در حال حاضر از منابع اصلی درس مدیریت اسلامی در دانشگاه‌ها می‌باشد ضرورت دو چندانی دارد، بویژه اینکه هر چند تاکنون مقالات نقد متنوعی در کشور در زمینه‌ی مدیریت اسلامی و آثار مربوطه به رشته‌ی نگارش و تحریر درآمده‌اند، ولی پژوهش‌هایی که به نوعی با نگاه فرا تئوریک، به بررسی اینگونه آثار پرداخته باشند، یافت نگردید و لذا جنبه‌ی نوآوری مطالعه را روشن می‌نماید.

کمبود پژوهش‌های فراتئوریک در این عرصه، مانعی برای آسیب‌شناسی و شناخت درست و صحیح مبانی اندیشه‌ای نویسندگان این حوزه‌ی علمی می‌باشد چرا که آثار و مکتوبات مدیریت اسلامی، براساس مبانی فکری (پارادایم) نویسندگان آن شکل گرفته

(مهدوی‌راد و صادقی، ۱۳۹۳: ۲۳۶) و این پارادیم‌ها چارچوب پژوهشی و نوع نگاه آنان را مشخص می‌کند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳). لذا با دو دیدگاه کلی، یکی از لحاظ مبانی و مبادی اولیه‌ی فلسفی و اندیشه‌ای که شامل مبانی روش‌شناختی معرفتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است (آقایپروز، ۱۳۹۶: ۱۵۲) و دیگری از لحاظ ماهیت و محتوا (نگاه الهی و توحیدی، رشد و تربیت بشری، مکتبی و ارزشی، فنی و در نهایت نگاه ترکیبی) می‌توان آثار را مورد نقد و بررسی قرار داد (مقیم، ۱۳۹۶)، اعظمی، (۱۳۹۲).

طبق مطالب بیان شده سؤال اصلی که این مطالعه بدنبال پاسخ به آن است عبارتند از اینکه: کتاب مورد مطالعه از نظر پشتوانه و مبانی نظری و تئوریک چه مسیری را پیموده و همچنین به لحاظ ماهیت و محتوا، چه نوع نگاهی در آن غالب است!

برای پاسخ به سوالات مطروحه، نویسندگان این نوشتار در نظر دارند کتاب یاد شده را در حیطه‌ی نقد عالمانه از بعد شکلی، نظری و محتوایی و با استفاده از روش فراتئوری محتوای متن را مورد نقد و بررسی قرار دهند و در ارتقای این اثر مهم، سهیم باشند.

۲. معرفی نویسنده و کتاب

سید علی‌اکبر افجه در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده مذهبی در تهران به دنیا آمد. وی پس از گذراندن دوره‌ی کارشناسی اقتصاد در بیمه‌های بازرگانی از مدرسه عالی بیمه ایران، کارشناسی ارشد و دکترای مدیریت بازرگانی را در کشور آمریکا به پایان برد و در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد. اثر مورد مطالعه‌ی وی در بسیاری از دانشگاه‌های کشور از آن به عنوان کتاب درسی در دانشکده‌های مدیریت استفاده می‌شود و طبق گفته‌ی نویسنده در پیشگفتار کتاب، مطالب آن به صورت سلسله مقالاتی پیرامون مدیریت اسلامی بوده که از سال ۱۳۵۸ در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رسیده است. لذا چاپ اول این کتاب در شهریور ماه ۱۳۶۰ به صورت جزوه درسی در مرکز نشر دانشگاهی و به صورت کتاب در شهریور ۱۳۶۴ توسط انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی به چاپ رسید که تا سال ۱۳۸۸ مرحله‌ی چاپ هشتم خود را طی کرده است.

کتاب مورد مطالعه، شامل بیست و هفت فصل، به صورت ۵ بخش کلی (مبانی مدیریت، مبانی مدیریت منابع انسانی، مبانی مدیریت تولید، رهبری و در نهایت بخش نتیجه‌گیری) و در ۲۲۸ صفحه با متن فارسی بعلاوه‌ی ۶۰ صفحه حاصل از چکیده‌ی تمامی بخش‌های

کتاب با متن لاتین در سمت چپ کتاب آورده شده است، تنظیم گردیده است. ضمن اینکه اساس این کتاب تفسیر آیه ۵ سوره نساء و تفسیر جناب استاد ضیاء آبادی می‌باشد.

۳. مروری بر محتوای کتاب

سازمان این کتاب به گونه‌ای تدوین شده است که در بخش اول که مبانی مدیریت را مورد بحث قرار می‌دهد، به تفاوت های مکتب و علم می‌پردازد و مدیریت اسلامی را یک مقوله مکتبی مبتنی بر وحی و دین مبین اسلام می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که سیر مطالعاتی مدنظر بحث مکتبی پیرامون مدیریت اسلامی یک سیر اکتشافی است و باید از "رو بنا" به "زیر بنا" باشد. از نگاه نویسنده، رهبری از اصول تفکیک‌ناپذیر مدیریت اسلامی است بطوریکه یک مدیر باید از صفات و ویژگی‌های معنوی برخوردار باشد تا بتواند جزء مبانی مدیریت اسلامی قرار گیرد بنابراین یک مدیر در جامعه‌ی اسلامی بایستی برخوردار از بالاترین میزان از صفات رهبری یعنی صفات "متقین" و "مومنین" در جمع سازمان تحت نظارت و مدیریت خود باشد تا راهگشای ایجاد جامعه اسلامی شود.

در بخش دوم کتاب، یعنی مبانی مدیریت منابع انسانی بوده به جایگاه و اهمیت انسان در توسعه اقتصادی اشاره کرده است و ذکر نموده که از نظر اسلام، انسان یک وجود مقدسی است که تمام ابزار و وسائل تکنیکی و پدیده‌های طبیعی در کرات در خدمت او قرار داده شده تا بتواند عنوان اشرف مخلوقات را معنایی حقیقی بخشد. بر طبق این نوع نگاه، مدیریت از دیدگاه اسلامی هنر هماهنگی روابط انسانی و فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و بکارگرفتن درست و مشروع نیروهای انسانی و مادی سازمان جهت پیشرفت جامعه است و مدیر به عنوان مسئول اجرای اصل فوق، انسانی آگاه به مکتب و اهداف آن، لایق و صاحب‌فکر، فارغ از هر گونه مسئولیت اجرایی ولی ناظر، حاضر و هماهنگ‌کننده و فرمان‌دهنده به رکن‌های اجرایی سازمان است.

نویسنده با ذکر آیه‌ی شریفه‌ی ۵ سوره نساء، اینگونه برداشت کرده است که در یک سازمان اسلامی مدیر از میان کارکنان و براساس ضابطه‌های تقوا و تعهد در رأس قرار می‌گیرد و وظیفه مدیر در یک سازمان اسلامی علاوه بر نیازهای مادی و تولیدی، باید تامین نیازهای معنوی کارکنان هم باشد. در پایان بخش دوم کتاب، به بحث پیرامون این موضوع پرداخته است که یک مدیر اسلامی فرد آزادی است در زمان، مکان، اندیشه، درون و بیرون

سازمان تا بتواند در همه صحنه‌ها حضور خلاق داشته و با تصمیمات عینی و آگاهانه خویش حرکت تکاملی سازمان را در جهت تعالی و تولید تداوم بخشد.

نویسنده در بخش سوم، مدیریت تولید را یک مقوله‌ی علمی و مدیریت منابع انسانی را یک مقوله‌ی مکتبی می‌داند که هدف نهایی از آن تعالی انسان‌ها باید باشد نه تولید. و به مقوله‌ی برنامه‌ریزی بعنوان عمده‌ترین و اساسی‌ترین مبنا در مدیریت و بخصوص مدیریت تولید می‌پردازد و اولین اصل از اصول برنامه‌ریزی را تعیین هدف یا اهداف می‌داند که قبل از تعیین هدف، امکانات حصول و عملیات لازم برای حصول آن باید به دقت بررسی و مطالعه شود. در پایان این بخش، بحث ارتباطات، نظارت و کنترل را تشریح کرده است که در این راستا، منظور اصلی از کلیه‌ی طرح‌های نظارت و کنترل، حصول اطمینان نسبت به مطابقت نتایج عملیات یا هدف‌های مطلوب و پیش‌بینی شده می‌داند.

نویسنده در بخش چهارم، رهبری و ابعاد گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده و بر مبنای آیات و روایات فضیلت‌هایی را برای رهبری از دیدگاه اسلام قائل است. این فضائل عبارتند از: یقین، توحید، تفکر، شجاعت، خوف از خدای متعال، رجا و امید به رحمت خداوند، کرامت نفس، غیرت و حمیت و بالاخره آرامش و ثبات و قرار. افجه‌ای در پایان بخش چهارم، رهبری از دیدگاه امام علی (ع) را توضیح داده است. در ادامه دیدگاه‌های متفاوت رهبری شخصیتی و فرایندی را تشریح کرده و بعد از ذکر تفاوت رهبری و مدیریت، از خطبه‌ی ۳ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱، خطبه ۲۰۵، خطبه ۳۳، خطبه ۷۴، کلام ۱۲۶ و در نهایت از محتوای نامه ۶۲ موارد مربوط به رهبری از کلام مبارک امیرالمؤمنین استخراج کرده است. در نهایت نیز در بخش پنجم کتاب، یعنی نتیجه‌گیری، خلاصه‌ای از کل مباحث ذکر شده در فصول به صورت تیتروار آورده شده است.

۴. مفهوم مدیریت اسلامی در نگاه‌های مختلف

مبتنی بر متون مختلف مدیریت اسلامی پنج نگاه کلی در این زمینه وجود دارد که عبارتند از: الف) نگاه الهی و توحیدی که عالم هستی را تحت مدیریتی واحد به نام الله تعریف شده است (اعظمی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در این نوع نگاه، رفتار و منش مدیران و کارکنان در جامعه و سازمان، باید بر مبنای جهان‌بینی توحیدی باشد و همچنین رشد و کمال انسان‌ها در مسیر الله بایستی قرار بگیرد. ب) دومین نگرش، نگاه رشد و تربیت بشری است. بر مبنای این نوع نگاه، باید مسئولیت را به کسانی سپرد که شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری از سرمایه‌های

انسانی جامعه را داشته باشند و بتوانند از امکانات جامعه، بهره‌برداری مادی و معنوی را داشته باشند. در این نوع نگاه، ماموریت اصلی سازمان تربیت انسان‌هایی است که خود صالح باشند و هم به اصلاح دیگران اهتمام ورزند. ج) سومین رویکرد به مدیریت اسلامی، نگاه مکتبی و ارزشی است که از بارزترین افراد این نوع نگرش، برداشت آیه‌الله مصباح یزدی است که ایشان معنای صحیح مدیریت اسلامی را مدیریت مدیران مسلمان می‌داند که تحت تاثیر نظام ارزشی اسلام قرار می‌گیرند و در روش‌های عملی آنها اثر می‌گذارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۲۸۳). در واقع طرفداران این نوع نگاه، مدیریت را یک مقوله مکتبی می‌دانند. د) چهارمین نگاه به مدیریت اسلامی، نگرش فنی به این مقوله است. قائلین به این نوع رویکرد، عمدتاً به وظایف یک مدیر اسلامی اشاره دارند و تعریف آنها از مدیریت اسلامی، همان تعریف رایج از وظایف مدیریت است، البته تا جایی که با موازین شرعی مغایرتی نداشته باشد (اعظمی، ۱۳۹۲: ۱۶۶) و در نهایت ه) آخرین نگاه به مقوله مدیریت اسلامی، نگاه ترکیبی است که نمی‌توان دیدگاه طرفداران آن را به صراحت در یکی از رویکردهای ذکر شده گنجاند.

۵. پیشینه‌ی پژوهش‌های مرتبط با نقد کتب مدیریت اسلامی

نبوی (۱۳۷۹) در مقاله‌ی نقد و بررسی کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن" نوشته‌ی ولی‌الله تقی‌پورفر، ادعا دارد که نویسنده در تدوین کتاب، از منابع اسلامی نیز آنچنان که برای تدوین کتابی با عنوان مذکور لازم است، بهره نبرده است. در بخش محتوای علمی، به مطالبی درباره نحوه استدلال به آیات مطرح نموده است و در بخش نگارش، در خصوص بی‌دقتی در استفاده از الفاظ و جملات، با توجه به مسائل مطروحه و مخاطبان، مطالبی بیان کرده است و بالأخره در پایان، جهت رفع اشکالات و تدوین مجموعه‌ای مناسب، پیشنهاداتی را ارائه کرده است (نبوی، ۱۳۷۹).

باقری (۱۳۸۴) در مقاله‌ی خود به نقد کتاب "مدیریت اسلامی" نوشته‌ی محمدحسین نبوی به لحاظ روشی و همچنین محتوا و ساختار می‌پردازد. وی در این مقاله با اشاره به رویکردها و نوع نگاه‌های مختلف به مدیریت اسلامی، نقاط ضعف، قوت و نکات قابل توسعه‌ی کتاب را بیان می‌دارد. ایشان رویکرد حاکم بر کتاب مورد مطالعه را بیشتر برگرفته از نگاه تهذیبی می‌داند (باقری، ۱۳۸۴).

سال ۱۳۸۷ در قالب یک سمینار علمی، کتاب "مبانی مدیریت اسلامی" نجاری و با حضور نویسنده‌ی آن مورد نقد قرار گرفت. در این نشست ابتدا به خاستگاه و محتوای کلی اثر توسط نویسنده پرداخته شد. به صورت جمع بندی می‌توان به توجه به کاربردی تر کردن مباحث و همچنین برداشت‌ها و استنادات صحیح از آیات و روایات که از دغدغه‌های مهم ناقدین این اثر بود، اشاره نمود (انجمن علمی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۷).

سال ۱۳۸۴ در قالب یک نشست علمی که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، کتاب "مدیریت در اسلام" نوشته‌ی علی آقا پیروز و همکارانش مورد نقد قرار گرفت. ناقدان، کاربرد و معادل‌سازی اصطلاحات و واژه‌های تخصصی در متن کتاب را نسبتاً خوب ارزیابی نمودند، ولی نیازمند ویرایش مجدد دانستند. مطالب کتاب نیز با عنوان و فهرست آن تناسب داشته ولی نظم و انسجام منطقی بین مطالب در هر فصل و کل اثر وجود ندارد. همچنین از نگاه منتقدان از ابزار و فنون علمی نظیر تصویر، شکل، جدول، نمودار و تمرین برای تفهیم مطالب به اندازه کافی استفاده نشده و در پایان هر فصل از کتاب نیز سوالات و ایده‌های نو مطرح نشده است (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶).

سال ۱۳۸۲، در چهارمین کرسی تخصصی دفتر هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی کتاب «مدیریت اسلامی» نوشته دکتر افجه‌ای مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این نشست که با حضور نویسنده کتاب برگزار شد، ابتدا به خاستگاه اثر و شرایط حاکم بر آن اشاره شد و در ادامه مورد سوال ناقدان قرار گرفت. به اعتقاد یکی از ناقدین این نشست، یکی از اشتباهات دکتر افجه‌ای این بوده که علم مدیریت را به جای مدیریت علمی گرفته است. ایشان همچنین روش نویسنده را بیشتر امضایی می‌دانند تا تأسیسی. به صورت جمع‌بندی، کاربردی بیان نمودن مباحث و نیاز به بازنگری مجدد، با توجه به اینکه محتوای آن مربوط به حدود ۳۰ سال قبل بوده است، از مهم‌ترین دغدغه‌های ناقدین کتاب بوده است (برگرفته از سایت خبرگزاری مهر ۱۳۸۲/۰۹/۱۹).

خنیفر (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تاکید بر آثار منتخب" از طریق تحلیل محتوا، ۲۰ اثر مدیریتی از جمله کتاب استاد افجه‌ای را مورد بررسی اجمالی و توصیف محتوا قرار داده است. از دیدگاه و تحلیل ایشان، این کتاب در دسته‌بندی آثاری قرار گرفته که در محتوای خود به آیات و روایات استناد می‌کنند و آن‌ها را به مباحث علمی تطبیق می‌دهند (خنیفر، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

۶. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات توسعه‌ای است؛ چرا که نتایج آن باعث توسعه‌ی نگاه‌ها به محتوای کتب مدیریت اسلامی خواهد شد (خاکی، ۱۳۸۷: ۹۵) و از طرفی با توجه به اینکه این تحقیق به دنبال بررسی و نقد محتوای کتاب مدیریت اسلامی مورد مطالعه و درک دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تولیدکننده‌ی محتوا و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشد (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۳)، از نوع تحلیل محتوای آثار است که با استفاده از تکنیک فراتئوری انجام گردیده است و با توجه به اینکه این تکنیک، روشی نسبتاً جدید می‌باشد در ادامه به معرفی اجمالی آن می‌پردازیم.

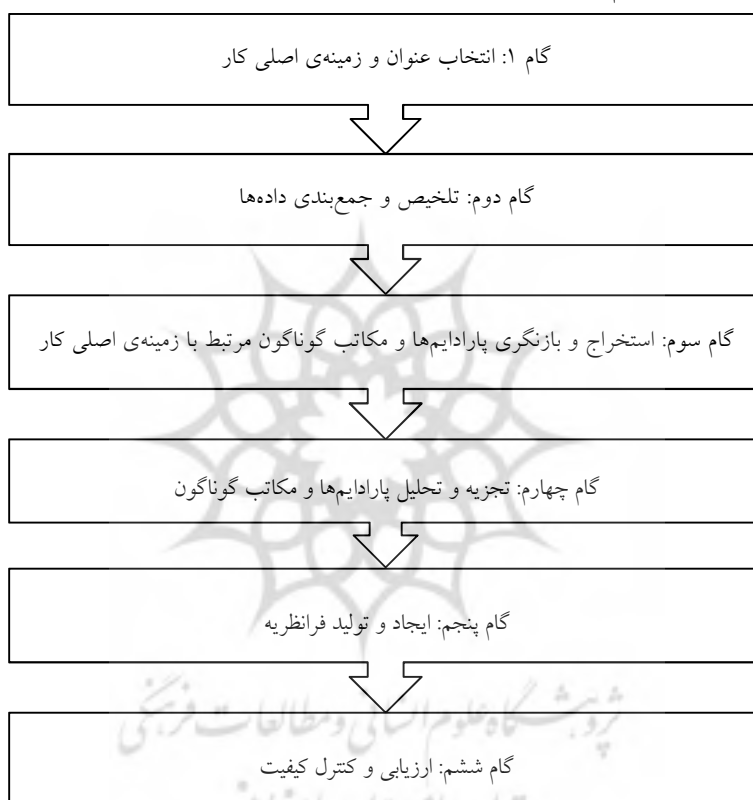
۱.۶ فراتئوری یا فرانظریه

از آنجا که نظریه یا نظریه‌ها در خلاء ساخته نمی‌شوند، نظریه‌پردازان براساس تحلیل علمی به الگوهای فلسفی "نظریه" دست یافته و آن را فرانظریه نامیده‌اند که براساس آن، نظریه-پردازی در حوزه‌های مختلف میسر می‌شود (Miller, 2005) و استفاده از آن، به عنوان ابزاری برای فهم عمیق‌تر، نیازمند استفاده از اشکال مختلف تحلیلی می‌باشند و یکی از این شیوه‌ها تحلیل محتواست (بوستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴) که از این طریق می‌توان آثار نویسندگان را نقد و بستری را برای تلفیق و گسترش نظریه‌های جدید فراهم نمود (Ritzer, 2001).

نظر به اینکه فراتئوری به تجزیه و تحلیل تمایلات نظری، فرضیه‌ها و تئوری‌های ایجاد شده در مطالعه‌های اولیه می‌پردازد، یکی از قسمت‌های آن بررسی پارادایم‌ها یا مکاتب مورد استفاده در پژوهش‌ها و چارچوب نظری آن‌ها می‌باشد (Bench, & Day, ۲۰۱۰) و از طرف دیگر هر تلاشی در حوزه‌ی اسلامی‌سازی دانش باید مبتنی بر چارچوب فرانظری علم و مبتنی بر الزامات فلسفی و روش‌شناسانه عمیق انجام شود (قنبری باغستان، ۱۳۹۲: ۱۲)؛ در این پژوهش، از تکنیک فراتئوری یا فرانظریه استفاده گردیده است. در این مطالعه از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه و مشورت با نخبگان و صاحب‌نظران، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گردیده و نگارنده‌گان تلاش کرده‌اند با مطالعه و بررسی داده‌های موجود و آشنایی با مبانی و ریشه‌های نظری مورد استفاده در اثر مورد مطالعه، با رویکرد فراتئوری آن را نقد و بررسی نمایند.

۲.۶ گام‌های اجرایی تکنیک فراتئوری در این تحقیق

به طور کلی در تکنیک فراتئوری مراحل ۶ گانه‌ای برای رسیدن به پاسخ سؤالات اصلی پژوهش باید طی کرد که در شکل شماره ۱ نمایان است. این مراحل برگرفته و بومی شده‌ی مدل فراتئوری مارک ادواردز (Mark Gerard Edwards) است که در ادامه‌ی شکل به تشریح هر گام و اقدامات انجام شده در این مطالعه پرداخته خواهد شد.



شکل ۱: مراحل فراتئوری - منبع: مارک ادواردز (۲۰۰۸)

گام اول: زمینه‌ی اصلی مدیریت اسلامی انتخاب گردید و از میان کتب مختلف این عرصه، کتاب مدیریت اسلامی سید علی اکبر افجه‌ای بعنوان نمونه تحقیق، مورد مطالعه قرار گرفت.

گام دوم: چندین مرتبه تمامی فصول کتاب به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و به صورت خلاصه‌وار به ارائه‌ی مطالب اصلی آن پرداخته شد.

گام سوم: در این مطالعه از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه و مشورت با نخبگان، پیش‌فرض‌های فرانظریه‌ای و همچنین نوع نگاه‌های مختلف به مدیریت اسلامی استخراج گردیدند.

گام چهارم: در ادامه هر یک از پارادایم‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در بخش نقد محتوایی به آنها پرداخته شده است.

گام پنجم: با بررسی مکاتب و نوع نگاه‌های مختلف، به پیش‌زمینه‌ها و تمایلات تئوریکی اثر پرداخته شده و افق تازه‌ای را برای مخاطبان روشن می‌سازد.
گام ششم: برای حفظ کیفیت تحقیق از نظر نخبگان و صاحب‌نظران تا رسیدن به اشباع نظری بهره‌گیری شد که مشخصات کلی آنها به شرح جدول ذیل می‌باشد.

جدول ۱: مشخصات عمومی نخبگان

ردیف	تحصیلات	سمت	فراوانی
۱	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	۴
۲	دکتری	پژوهشگر	۲
۳	دانشجوی دکتری	پژوهشگر علوم اسلامی	۱
۴	سطح ۴ حوزه	محقق و طلبه	۱
۵	کارشناسی ارشد	صاحب‌نظر در علوم اسلامی	۲
۱۰	جمع فراوانی‌ها		

۷. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با مراجعه به مقالات مربوط به نقد کتب علوم انسانی، دو شکل کلی در نقد اینگونه کتاب‌ها وجود دارد که عبارتند از: الف) نقد شکلی و ساختاری و ب) نقد محتوایی و نظری اثر الف) نقد شکلی و ساختاری اثر:

با توجه به اینکه در مقالات نقد، به نقد شکلی و صورتی اشاراتی می‌شود، محققان این پژوهش، خارج از فرایند فراتئوری، به نقد شکلی کتاب هم پرداخته‌اند.

در نقد شکلی معمولاً به کیفیت فنی و ظاهری اثر توجه می‌شود. به لحاظ طرح روی جلد، چون عنوان کتاب و نام مؤلف با دو رنگ آبی تیره و سفید نوشته شده است، بنابراین برجستگی عنوان و نویسنده برای بیننده روشن است. در طرح روی جلد، تصاویر شبستان-

های مسجدی با طرح معماری اسلامی مشاهده می‌شود که این طرح، با ادعای نویسنده در کتاب، مبنی بر نگاه مکتبی به مدیریت اسلامی همخوانی دارد. از نظر حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی، اندازه‌ی قلم‌ها در متن اصلی یکسان است، اما نکته‌ی مهمی که از آن غفلت شده، اینکه قلم مورد استفاده در متن جداول و نمودارها و عناوین آنها یکسان نیست و از قلم‌های گوناگون و با اندازه‌های مختلف استفاده شده و یکپارچگی و تناسب لازم را دارا نیست. بعنوان مثال اگر به شکل‌ها و نمودارهای ۴-۱ صفحه‌ی ۲۳، متن داخل نمودار ۱-۲۴ صفحه‌ی ۱۶۲، شکل ۲-۲۴ صفحه‌ی ۱۶۶ و شکل ۱-۲۷ صفحه‌ی ۱۹۸ مراجعه شود، به ناهماهنگی و عدم تشابه نوع قلم‌ها و اندازه‌ی آنها پی خواهیم برد.

از لحاظ کیفیت چاپ و صحافی، کتاب در وضعیت بسیار خوبی قرار گرفته است به گونه‌ای که با مطالعه‌ی مستمر در طول زمان از کیفیت ظاهری کتاب کاسته نمی‌شود و دچار از هم گسیختگی و جداشدن صفحات کتاب نخواهد گردید. قطع کتاب هم از نوع وزیری با اندازه‌ی (۲۳ در ۱۶/۵) که مناسب کتاب‌های دانشگاهی است، می‌باشد. نگارش مطالب به صورت ساده و روان بوده است که یکی از مهم‌ترین نقطه قوت کتاب به لحاظ شکلی می‌باشد و با توجه به اینکه این کتاب در اکثر دانشگاه‌ها بعنوان منبع درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حجم کتاب متناسب با تعداد واحدهای درس مدیریت اسلامی که معمولاً دو واحد کارشناسی در دانشکده‌های مدیریت، حسابداری و اقتصاد محسوب می‌شود. از نظر تکنیک‌های ویراستاری و نگارش کتاب دارای کاستی‌هایی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

کتاب مذکور نیاز به ویرایش جدی توسط یک ویراستار اهل فن دارد. بعنوان مثال در موارد نسبتاً زیادی مشاهده شده که جمله نیاز به ویرگول و نقطه دارد که بدلیل تعدد آنها، تنها به دو مورد اشاره می‌شود. در صفحه‌ی ۸ (پاراگراف دوم) بدلیل عدم استفاده از نقطه و ویرگول، فهم مخاطب از جمله را دچار مشکل کرده است.

...اما وجه تمایز مدیریت اسلامی با اشکال مدیریت در جوامع کاپیتالیستی یا کمونیستی و یا هر نوع جامع دیگری که اداره‌ی امور مردم در دست عده‌ای از سردمداران حکومت‌ها ست (در اینجا ویرگول لازم دارد) در این نیست که نظام‌های مدیریت دیگر صاحب مکتب یا در حقیقت...

یا در پاراگراف آخر صفحه ۷۴ هم، چنین مشکلی وجود دارد.

«...در حقیقت برای پیاده کردن طرح اخلاق اسلامی درون یک سازمان(در اینجا ویرگول لازم دارد) برای نیروی انسانی باید به موارد زیر توجه داشت.»

یکی دیگر از ایراداتی که مربوط به ویراستاری است، اشکالاتی است که در بندهای طولانی برای خواننده پیش می‌آید و باعث می‌شود سررشته بحث از دست مخاطب خارج شده و باعث سردرگمی و عدم برداشت صحیح مطلب می‌شود. بعنوان مثال در صفحه ۱۱۸، بند مربوط به هدف در "برنامه‌ریزی" را توضیح داده و کل صفحه به صورت یک بند آورده شده است و همچنین ایراد مهم دیگر آن در اول صفحه، "هدف" را بعنوان شماره ۱ آورده است، در صورتی که شماره های بعدی ای در مقاله وجود ندارد!! یکی دیگر از ایرادات مرتبط با این موضوع، در صفحه‌ی ۱۶۶ و ۱۶۸ کتاب، شماره‌های عناوین شکل‌ها در این دو صفحه تکرار شده است.

منابع مورد استفاده در کتاب از لحاظ کیفیت و اعتبار وضعیت مطلوبی دارند و از منابع غنی و معتبر اسلامی استفاده گردیده است اما با توجه به قدیمی بودن متون کتاب، نیازمند استفاده از منابع روزآمد و جدیدتر برای تقویت می‌باشد. اما علی‌رغم استفاده از منابع معتبر، در منبع‌نویسی و ارجاعات کتاب حاضر، دو ایراد اساسی وجود دارد: اولاً بهتر است واژه‌های تخصصی و ارجاعات مربوط به آیات قرآن کریم به صورت زیرنویس در همان صفحه آورده شود. دومین ایراد هم به شکل منبع‌نویسی مربوط است و یکپارچگی لازم در بیان ارجاعات وجود ندارد. بعنوان مثال در منابع بخش اول صفحه‌ی ۳۴ و ۳۵، بندهای ۱، ۲، ۳، ۱۵، ۱۶ و ۱۷، سال انتشار منبع ذکر نشده است. این ایراد اساسی در قسمت منابع همه بخش‌ها وجود دارد و در ذیل بعنوان نمونه آورده شده است: این مثال‌ها نشان دهنده‌ی این است که در بیان منابع، نویسنده از یک شیوه‌ی ثابت و مشخص پیروی نکرده است..

«۳- اقتصاد ما، تألیف آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، ترجمه‌ی عبدالعلی اسپهبدی، جلد دوم، صفحه‌ی ۲۵، انتشارات اسلامی» در صفحه‌ی ۳۴

«۷- هوشنگ کولان «رفتار سازمانی»، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، صفحه‌های

۵۲-۴۸» در صفحه‌ی ۲۰۷

از بعد ساختاری نیز، با توجه به اینکه فصول کتاب بر مبنای سلسله مقالاتی از نویسنده بوده است، این ساختار اشکالاتی مانند تکراری بودن مباحث در برخی فصول مشهود است. بعنوان مثال مقوله مکتبی مدیریت بصورت تکراری در فصل اول و سوم اشاره شده تا آنجا که برخی از مطالب این موضوعات کاملاً هم‌پوشانی دارند یا مثلاً بحث تفاوت رهبری و

مدیریت، هم در فصل بیست و چهارم و هم در فصل بیست و هفتم به طور مجدد بیان شده است.

یکی دیگر از کاستی‌های مهم این کتاب در بعد ساختاری این است که خواننده در مطالب بخش سوم (فصول شانزدهم تا بیست و سوم) تقریباً هیچ ارتباطی بین مباحث طرح شده با مدیریت اسلامی نمی‌تواند برقرار کند. نویسنده در این هشت فصل به بیان مبانی مدیریت تولید و وظایف خاص مدیران مانند برنامه‌ریزی، تعیین خط‌مشی، تهیه شرح عملیات، سازماندهی، هماهنگی و کنترل پرداخته است و تقریباً هیچ طرح بحثی راجع به مبانی مدیریت اسلامی در این فصول نشده است. در صورتی که انتظار می‌رفت نویسنده در این بخش، مباحثی مانند تکلیف‌محوری، مدیریت جهادی، مدل‌های کنترل اسلامی و... را طرح موضوع می‌کرد.

(ب) نقد محتوایی اثر:

ب- ۱). به لحاظ ماهیت و نوع نگاه:

طبق توضیحات گفته شده در بخش ادبیات نظری و روش‌شناسی تحقیق، می‌توان نگاه استاد افجه‌ای را در کتاب حاضر، ترکیبی از نگاه دوم که نگرش رشد و تربیت بشری است و مبنای ایشان، برداشت از تفسیر آیهی پنجم سوره مبارکه نساء بوده است (در فصل نهم و همچنین ضمیمه‌ی دوم کتاب اشاره شده است) و همچنین نگاه سوم، یعنی رویکرد مکتبی به مدیریت اسلامی، آنجا که در فصل اول و سوم، مدیریت اسلامی را یک مقوله مکتبی می‌دانند و وظیفه مکتب را ارائه راه حل‌هایی می‌دانند که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار باشد، دانست.

ب- ۲). به لحاظ مبانی فراتئوریک:

در این مطالعه بر مبنای مدل فراتئوری که در بخش روش‌شناسی تحقیق گام‌های آن تشریح شد، بعد از طی مراحل انتخاب موضوع و تلخیص داده‌ها (گام ۱ و ۲)، با مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به خبرگان، پارادایم‌ها، مکاتب و مبانی فلسفی مرتبط با موضوع شناسایی و در مرحله‌ی بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و تلاش گردید شواهدی از مبانی تئوریک موجود در متن شناسایی و مورد تحلیل قرار گیرند (گام ۳ و ۴) که در ادامه به این دو مرحله می‌پردازیم.

بطور کلی پیش‌فرض‌های فرانظری شامل پیش‌فرض‌های فراطبیعی، روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، منطقی، جهان‌شناختی و انسان‌شناسی است که برای

مطالعه دنیای پیرامون به کار گرفته می‌شود (فیاض، بدره، ۱۳۸۹: ۸۴) و در نقد این کتاب، به بیان پیش‌فرض‌های فرانظریه‌ای هستی‌شناختی و انسان‌شناسی و روش‌شناختی که به نظر می‌رسد عمده توجه مولف به این سه حوزه بوده، اکتفا می‌کنیم.

ب-۲-۱): بعد هستی‌شناختی

در هستی‌شناسی ماهیت و ویژگی‌های جهان هستی، چرایی جهان هستی و غایت جهان هستی در آن طرح و بحث می‌شود و همچنین مسئولیت و تعهد انسان‌ها نسبت به جهان هستی نیز معنا پیدا می‌کند (عظیمی شوشتری، میرچراغ، ۱۳۹۶: ۳۶). هر چند که نوع نگاه و شناخت ما نسبت به هستی‌شناسی، به طور غیرمستقیم در مبانی مدیریت اسلامی اثرگذار است (آقایپروز، ۱۳۹۵: ۱۵۸)، اما با مطالعه‌ی دقیق آثار می‌توان به نوع نگاه نویسندگان در این حوزه دست پیدا کرد. بعنوان مثال هستی‌شناسی اسلامی بر این باور است که جهان پیرامونی حاصل اراده‌ی الهی و تحت تدبیر او اداره می‌شود، سپس برای جریان اراده خود بروی زمین و همین‌طور نشان دادن راه سعادت و کمال و اخبار از غیب، از طریق وحی پیامبرانی را مبعوث نمود و این پیامبران علاوه بر انجام وظیفه رسالت و هدایت در بسیاری موارد، جامعه تحت هدایت خود را مدیریت نیز می‌کردند (جوانیپور هروی، ۱۳۸۷: ۴۱).

بنابراین از این نوع نگاه نتیجه‌گیری می‌شود که مدیریت در شأن جامعه اسلامی باید از صفات رهبری دینی هم برخوردار باشد. در این رابطه می‌توان به مطالب نویسنده در فصل چهارم اشاره کرد که با ذکر صفات رهبری برای مدیر نتیجه‌گیری کرده است که: مدیر به منظور رساندن انسان‌های موجود در سازمان به "تعالی" و روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه و همچنین ضرورتی که مدیریت در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی برخوردار از بالاترین میزان از صفات رهبری یعنی صفات "متقین" و "مومنین" در جمع سازمان تحت نظارت و مدیریت خود باشد تا راهگشای ایجاد جامعه اسلامی شود.

ب-۲-۲): بعد انسان‌شناسی

بعد انسان‌شناسی ارتباط تناتنگی با حوزه‌ی قبلی دارد و بیشترین مباحث مبانی فلسفی مدیریت اسلامی را به خود اختصاص داده است، چرا که در مدیریت، انسان و کار با انسان -ها بعنوان محور اصلی قرار گرفته است. در منابع اسلامی، بویژه با استناد به آموزه‌های قرآن کریم، مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی اسلامی عبارتند از: مرکب بودن انسان از جسم و روح،

اختیار، تربیت‌پذیری، معرفت‌گرا بودن، جاودانگی، کرامت و فطرت است (کریمی بنادکوک، ۱۳۹۶: ۲۳۸).

در اصل مرکب‌بودن انسان، نظریه دوساحتی مطرح می‌شود که انسان را ترکیبی از جسم و روح می‌داند (فلاح‌پیشه، نوروزی، ۱۳۹۶: ۶۷). با توجه به این اصل، مدیر در جامعه اسلامی تنها وظیفه‌ی رسیدگی به جنبه‌ی مادی کارکنان نمی‌تواند داشته باشد، بلکه بسترسازی برای تقویت روح متعالی انسان‌ها نیز وظیفه‌ی مهم‌تر اوست. همانگونه که نویسنده کتاب مورد مطالعه نیز در صفحه ۲۷ و ۲۸ کتاب، به تفکیک روح انسان از جسم او پرداخته است و وظیفه‌ی مدیر اسلامی را علاوه بر تامین نیازهای مادی، تامین نیازهای معنوی و کمک به طی مسیر انسان به سوی الله می‌داند و ادعا دارد تنها با درک مفاهیم مکتبی این امر قابل دسترسی است.

در رابطه با بحث فطرت، مدیریت در سازمان اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که انسان در آن برای شکوفایی فطرت و استعدادهای درونی‌اش توانمند شود. همانطور که افجه‌ای در صفحه ۵۱ کتاب، مدیریت از نگاه اسلامی را فراهم‌آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و بکارگرفتن درست و مشروع نیروهای انسانی و مادی سازمان جهت پیشرفت جامعه می‌داند. در بعد تربیت‌پذیری انسان‌ها نیز در صفحه ۸۸ کتاب به لزوم دمیدن روح معنویت در درون سازمان و تاثیرپذیری تربیتی کارکنان در این بستر معنوی، نویسنده اذعان داشته است که توجه دادن انسان‌ها به نظارت الهی از اعمال و رفتار آنان، به جلوگیری از هدر رفتن نیروهای انسانی و عدم جهت‌دهی به انگیزه‌های غیرالهی کمک بسیار شایانی خواهد نمود.

ب-۲-۳: بعد روش‌شناختی گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بعد روش‌شناختی که به نظر می‌رسد بیشترین اختلاف نظر در این حوزه وجود دارد، با این منظور که برای تولید مبانی مدیریت اسلامی آیا مبدأ نظریات، از منابع اسلامی استخراج می‌شود یا از منابع مدیریت غربی؟ و اینکه نگاه‌های متفاوت به چگونگی و میزان پذیرش و اولویت استفاده از هر کدام از این منابع، رویکردهای متفاوتی را ایجاد کرده است (حجازی‌فر، ۱۳۹۶: ۶۵) و در ۴ دسته‌ی کلی قرار می‌گیرند:

۱) رویکرد تأییدی یا امضایی:

پیش‌فرض ناخودآگاه در چنین رویکردی این است که علم تجربی جدید، دانشی موجه و مقبول است و در صورتی که بتوان نشان داد در دین نیز سخنانی چنان آمده است، دینی موجه

و معقول خواهیم داشت؛ بعنوان نمونه، نبوی (۱۳۷۶) با تأسی به این نوع نگاه، در تعریف برنامه‌ریزی می‌نویسد: برنامه‌ریزی متضمن تعیین هدف‌ها و مقاصد سازمان و تهیه نقشه و برنامه‌ی کار است. برنامه‌ها نشان می‌دهد که چگونه باید هدف‌ها محقق شود. از نظر آیات قرآن و روایات هم برنامه‌ریزی اهمیت بسیاری دارد (نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹).

۲) رویکرد تهذیبی

پیش‌فرض تئوریک این رویکرد این است که از آنجا که علم مدیریت رایج بر پایه مبانی الهی و اسلامی شکل نگرفته است، برخی انحرافات و ناخالصی‌هایی دارد. حال اگر این انحرافات و ناخالصی‌ها توسط فیلتر دین، شناسایی و حذف شود، آنچه باقی خواهد ماند، همان مدیریت اسلامی است (حجازی‌فر، ۱۳۹۶: ۶۶). ایراد مهم رویکرد این است که ممکن است مدیریت اسلامی هم مثل سایر علوم به درد التقاط دچار شود و اصولاً هویت اسلامی بودن آن را از دست دهد، چرا که در این رویکرد مبنا و پایه‌ی اصلی همان تئوری‌ها و نظریه‌های غربی با همان مبانی فلسفی غربی است.

۳) رویکرد استنباطی

ادعای این رویکرد این است که با نگاه صرفاً تحلیلی، استنباطی، تفسیری و بدون نگاه تجربی می‌توان به مدیریت اسلامی دست یافت (مقیم، ۱۳۹۶: ۹۶). در نقد این رویکرد می‌توان گفت که برای تولید علم بومی و اسلامی، نمی‌توان تجربیات و عقل بشری را به طور کلی کنار گذاشت، چرا که گاهی اوقات انسان‌ها باید از یافته‌ها و تجربیات دشمنان خود هم بهره‌برداری کنند. همانگونه که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) می‌فرمایند: "باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت، اما علم در روند تعالی خود با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود." (سخنان معظم له در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۴) رویکرد تأسیسی

در این رویکرد منظور این است که علم دینی باید در پرتوی قدرت الهام بخشی پیش - فرض‌های خاص خود از سوئی و گیر و دار تلاش تجربی از سوی دیگر تکوین یابد (حجازی‌فر، ۱۳۹۶: ۶۹). به عبارت ساده بر مبنای این رویکرد برا تولید علم بومی و اسلامی، ابتدا با مبنا قرار دادن آموزه‌های روایی و قرآنی، ضمن توجه به الگوهای رایج باید فرضیه‌ها و مدل‌هایی را استخراج نمود و در گام بعدی این مدل‌ها را در بوت‌ه آزمایش و تجربه قرار داد، در صورتی که این آزمایش‌ها موفقیت‌آمیز بود، آنها را تبدیل به نظریه و

تئوری نمود. در این نوع رویکرد به مبانی فلسفی اسلامی که شامل معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی باید توجه ویژه‌ای نمود.

به طور کلی با بررسی اجمالی آثار بسیاری از نویسندگان در حوزه‌ی مدیریت اسلامی، از جمله این اثر مورد مطالعه می‌توان به دو نتیجه مهم رسید، اول آنکه کمترین اثری را می‌توان یافت که به شکل گروهی و ترکیبی از نویسندگان حوزه و دانشگاه، تألیف یا تدوین شده باشد و ثانياً از همه مهم‌تر این است که عمده‌ی آثار با نگاه تهذیبی و تأییدی به موضوع مدیریت اسلامی، آن هم محدود به وظایف مدیران پرداخته‌اند که این کتاب هم به نوعی به این نگاه و پارادایم فکری گرایش دارد که عمدتاً در بخش سوم کتاب مشهود است. یکی از ایراداتی که به رویکرد تهذیبی وارد است و این کتاب به آن دچار شده، برداشت اضافه و احتمالاً اشتباه از آیات و روایات است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۷۳)، بعنوان مثال در صفحه ۶۶ کتاب، از این فرمایش گوهریار امیرالمومنین (علیه‌السلام) به مالک که فرمودند: "ای مالک آن چنان کارها را به روزها تقسیم کن که روزانه مطابق برنامه انجام وظیفه شود و امور در اثر عدم انضباط و ترتیب مختل و آشفته نماند." نویسنده چنین برداشت نموده که یک مدیر اسلامی باید دارای دوگونه برنامه در انجام کارهای روزانه خود باشد که یکی "برنامه‌ی زمانی" است و دیگری "برنامه‌ی تولیدی". در صورتی که برنامه‌ی تولیدی که مبتنی بر برآورد و شناخت امکانات مادی و فیزیکی است، از این روایت در ذهن مخاطب متبادر نمی‌شود و صرفاً به برنامه‌ی زمانی اشاره گردیده است.

همچنین بسیاری از مؤلفان از جمله نویسنده این اثر، در حوزه وظایف مدیریت، نظریه‌ای با مبنای اسلامی ارائه نکرده‌اند و مبنای آنها همان نظریات غربی است و حرف نویی زده نشده، مثلاً در حوزه‌ی ساختار و سازمان اسلامی و مقوله‌های مرتبط با آن یعنی فرهنگ سازمانی، هویت سازمانی، رفتار سازمانی، ساختار، شکل سازماندهی و استراتژی‌های سازمان و... نظریه‌ای داده نشده که مبتنی بر مبنای آموزه‌های دینی ما باشد. اگر هم در این زمینه نظری داده شده محدود به ساختار حکومت اسلامی است و درباره‌ی سازمان به معنای یک اداره تولیدی و خدماتی خیلی صحبتی به میان نیامده است که این موضوع در فصل هشتم و نهم کتاب مشهود است و مباحث آن بیشتر رویکرد انتزاعی و کلی‌گویی دارد. در ضمن هر چند که مطالب این کتاب، بیشتر گرایش به مکاتب تهذیبی و تأییدی دارد، اما در قسمت‌هایی از مطالب فصل ششم و هفتم رویکرد تاسیسی به خود گرفته است و مطالب ارزشمندی در این زمینه بیان شده است، آنجا که نویسنده در نوع نگاه به انسان،

مبنای انسان‌شناسی قرآنی را عنوان کرده و در مدیریت اسلامی هدف از تاسیس سازمان، رشد و تعالی شاغل در سازمان می‌داند که مدیران مجاز نیستند که مستقیم و غیرمستقیم انسان‌ها را در خدمت ابزار و یا به عبارت بهتر هدف تولید قرار دهند و برای افزایش تولید به کاهش تعالی انسان‌های مشغول در سازمان تن در دهند و از نظر اسلام، انسان یک وجود مقدسی است که تمام ابزار و وسائل تکنیکی و پدیده‌های طبیعی در کرات در خدمت او قرار داده شده تا بتواند عنوان اشرف مخلوقات را معنایی حقیقی بخشد (افجه‌ای، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه نظریه‌ها معمولاً در پی پاسخ به حل یک مشکل یا مسئله‌ای هستند، اگر مبنا را همان تئوری‌های غربی قرار گیرد و صرفاً بدنبال مصداق‌سازی اسلامی برویم و نتیجه را بعنوان مدیریت اسلامی عرضه کنیم، دچار اشتباه و اختلاط خواهیم شد، همانگونه که در نقد رویکرد امضایی و تاییدی اثر در فصل چهاردهم کتاب، موضوع کنترل را مورد بررسی قرار می‌دهد و در آن، ضمن توجه به ارتباط مفاهیم، تئوری‌های مدیریت را مبنای مراجعه به متون اسلامی قرار داده است؛ همانطور که در این فصل، روش‌های کنترل را ابتدا همان روش‌های نظریه‌های جاری و موجود ذکر کرده است و فقط با ارائه‌ی مصداق‌های اسلامی زاویه‌ای را از کنترل اسلامی را بیان و معادل‌سازی می‌کند.

ب- ۳). تولید فرانظریه:

طبق گام پنجم مدل ارائه شده، نوبت به تولید فرانظریه می‌رسد. نگاه فرانظریه‌ای افق تازه‌ای را به مخاطب می‌دهد و با کمک مبانی فلسفی و تئوریک موضوعات را تحلیل و بررسی می‌کند. حال پس از بررسی محورهای اصلی چارچوب فراتئوری در این تحقیق، می‌توان گفت که اولاً اسلامی‌سازی علوم انسانی، اگر چه علم و دانش معاصر که صرفاً مبتنی بر قدرت و ثروت مادی است، را ریشه‌ی اصلی مشکلات جامعه می‌داند، اما برخلاف تصور رایج به معنای ایجاد محدودیت برای علم یا تعطیلی علوم انسانی غربی نیست، بلکه در مقابل وصل آن به یک منبع شناخت و معرفتی جدید (دین و کلام الهی) است که تاکنون، حداقل در نوع غربی آن، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. دوم اینکه که هدف از اسلامی‌سازی علوم انسانی، در واقع حرکتی نظام‌مند و به تدریج از نظامات و مدیریت غربی به مدل مطلوب اسلامی، با تأکید بر دین به عنوان منبع اصلی شناخت، در مورد همه حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی از جمله علم مدیریت است و فقط در سایه چنین تغییر و تحول پارادایمی است که می‌توان به علوم انسانی اسلامی دست یافت و بعبارتی برای رسیدن به الگوی مطلوب مدیریت اسلامی، باید از اسلام به مدیریت رسید، نه از مدیریت به اسلام!! همانطور

که پیش از این اشاره شد، برای نقد آثار با روش فراتئوری و تکنیک تحلیل محتوای آن‌ها ضروریست تا به پשתوانه‌های مکتبی و نظری مطالب ذکر شده مراجعه کنیم. بنابراین با مطالعه ادبیات مرتبط و استفاده از نظر خبرگان صاحب‌نظر می‌توان ادعا نمود که در ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی میان نگاه اندیشمندان مختلف مدیریت اسلامی اختلاف چندانی در آثار آن‌ها مشاهده نمی‌شود و بیشتر تفاوت‌ها در حوزه‌ی روش‌شناختی است. هر چند که این سه حوزه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و نویسندگان مختلف این عرصه، مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی را ادعا کرده‌اند ولی چون در روش‌شناختی رویکردهای متفاوت دارند، در عمل ممکن است به تفاوت دیدگاه برسند و ناخواسته از تئوری‌های غربی که مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاص خود را دارند حمایت کنند.

۸. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

طبق توضیحات بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که تلاش‌های نویسنده در ارائه و طرح مباحث مربوط به مدیریت اسلامی به لحاظ روش‌شناختی، این کتاب بیشتر رویکرد تهذیبی و امضایی دارد که این نقد بر محتوای بیشتر کتب مدیریت اسلامی وارد است و این موضوع در نقد کتب "مدیریت اسلامی" نوشته‌ی نبوی، توسط باقری و همچنین در نشست علمی نقد کتاب افجه‌ای که در پیشینه اشاره گردید، توسط یکی از ناقدین اذعان شد. البته در بخش‌های کوتاه و ارزشمندی که گرایش به مکتب‌تأسیسی دارد نبود یک مدل مفهومی و کاربردی موجب شده است، بسیاری از مباحث دیگر مانند رفتار اسلامی با انسان‌ها در سطوح مختلف نیازها، کرامت و عزت انسانی، ارتباطات با الگوی اسلامی و... نادیده گرفته شود و مطالب طرح شده کلیت مباحث مورد نظر را پوشش ندهد. این موضوع نیز از مسائل مهم مورد اشاره در نقد اینگونه آثار بوده است که در جمع‌بندی نقد کتاب "مبانی مدیریت اسلامی" نجاری و همچنین جلسه‌ی نقد کتاب افجه‌ای توسط صاحب‌نظران اشاره گردید.

در مجموع به نظر می‌رسد در این حوزه، بیشتر نیاز به یک رویکرد استنباطی از نوع معتدل و تلفیق آن با رویکرد تأسیسی، اما نه با نگاه اینکه همه‌چیز را از صفر شروع کنیم! ولی باید با اصلاحات اساسی شروع کرد و گام به گام به سمت روش‌سازی و نهادسازی مطلوب اسلامی رفت. البته در اینجا مطلب مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که در تلفیق این دو حوزه روش‌شناختی (استنباطی معتدل و تأسیسی) باید به تجربیات و عقول

بشری هم رجوع کرد و نمی‌توان از آن‌ها عبور کرد. چرا که در روش‌شناسی و نهادسازی اسلامی نه تنها با روش‌های پژوهش تجربی، عقلی یا انتقادی، به شرطی که در محدوده وسیع و ظرفیت شناختی انسان باشد، مخالفتی نمی‌شود، بلکه بر عکس در قرآن کریم و گفتار بزرگ دین، همواره بر استفاده از همه‌ی آن‌ها برای افزایش سطح شناخت و معرفت انسانی تأکید شده است.

یکی از مواردی که در تولید محتوای کتب مدیریت اسلامی همچنین باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، استفاده صحیح و بجا از آیات و روایات می‌باشد که در این کتاب نیز همانطور در بخش یافته‌ها اشاره گردید، بعضاً برداشت‌های ناصحیح و ناقصی از آیات و روایات در اینگونه آثار یافت می‌شود و تاکنون این نکته از ایرادات مهم ناقدین کتب مدیریت اسلامی بوده است بطوریکه نتایج نقد و بررسی کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن" توسط نبوی و همچنین در نشست علمی نقد کتاب نجاری و کتاب مدیریت در اسلام آقا پیروز و همکارانش بر این نکته صحنه گذاشته است.

با همه‌ی ملاحظات بیان شده به نظر می‌رسد رعایت نکات ذیل به ارزش اثر فزونی خواهد بخشید.

۱. از آنجا که متون کتاب قدیمی است، ویراستاری کتاب، چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ ادبی از ضروریات است که باید مورد توجه قرار گیرد.
۲. در ابتدای هر فصل بهتر است، انتظارات از مخاطب به صورت تیتروار و مختصر بیان شود.
۳. منابع و ارجاعات کتاب، به صورت یکپارچه آورده شود.
۴. تمایز تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی در بحث برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل از نکات قابل توسعه و مهم کتاب است و انتظار می‌رود به آن‌ها پرداخته شود.
۵. پرداختن بیشتر به رویکرد تاسیسی (با نگاه تعدیل‌یافته) و تلفیق آن با رویکردهای استنباطی معتدل از پیشنهادات مهم برای این اثر است.
۶. اما نکته‌ی مهمی که به نظر می‌رسد در بحث برنامه‌ریزی (فصل هفدهم) و همچنین موضوع نظارت و کنترل (فصل بیست و سوم) مغفول واقع شده است، موضوع تکلیف-محوری که مبنای دینی دارد، در فرایند برنامه‌ریزی است. آنجا که نویسنده در فصل هفدهم کتاب، در فرایند برنامه‌ریزی موضوع رسیدن به هدف، یعنی نتیجه‌ی مورد نظر از عمل را بیان می‌کند، شایسته بود از موضوع تکلیف‌محوری و در واقع عمل به تکلیف در فرایند

عملیات را مدنظر قرار می‌داد. چرا که کارکنان با اعتقاد و باور به اینکه خدماتی که می‌رسانند به خاطر ادای تکلیف است و خداوند به عنوان ناظر، بر آنها نظارت دارد به فعالیت‌های سازمانی پرداخته، انجام وظیفه می‌کنند. با در نظر گرفتن همین مبنای اسلامی (اصل تکلیف محوری)، اصل نظارت و کنترل هم باید به کلی تغییر پیدا کند و در اصل باید میزان عمل به تکلیف با استفاده از میزان وسع و توان هر فرد ملاک ارزیابی کارکنان قرار گیرد. در پایان جا دارد تا بر این نکته تاکید و ورزیم نظر به اینکه اثر مورد نظر تقریباً از کتاب‌های پیشگام در عرصه‌ی مدیریت اسلامی در کشور است، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی باعث شد که ده‌ها کنفرانس و گردهمایی به موضوع مدیریت اسلامی بپردازند و آثار زیاد و متنوعی به چاپ برسد و از همه مهم‌تر درس مدیریت اسلامی در برنامه‌های درسی اغلب رشته‌های مدیریت در دانشگاه‌ها و حتی حوزه‌های علمیه گنجانده شود. لذا علیرغم نقدهای وارده بر این کتاب، نمی‌توان از نکات مثبت و برجستگی‌های آن چشم‌پوشی کرد و مطالعه‌ی آن را به همه علاقمندان توصیه می‌نماییم. امیدواریم بتوانیم در آینده با نقد و بررسی اینگونه آثار به پیشرفت علمی جامعه‌ی اسلامی مان بیشتر کمک نماییم.

کتاب‌نامه

- نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، تهران، انتشارات ایدون اعظمی، امیر، (۱۳۹۲)، «جستاری در تعریف‌ها و برداشت‌های صاحب‌نظران از مفهوم مدیریت اسلامی»، دو فصلنامه علمی، تخصصی اسلام و مدیریت، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۵۵-۱۷۱ افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر، (۱۳۸۸)، مدیریت اسلامی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم.
- آقایروز، علی، (۱۳۹۶)، «فلسفه‌ی مدیریت اسلامی»، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی قیاسات، شماره ۸۳، صص ۱۴۳-۱۶۶
- باقری، ناصر، (۱۳۸۴)، «نقد کتاب مدیریت اسلامی تألیف حجه‌الاسلام محمدحسین نبوی»، مجله مصباح دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۶۰، صص ۱۶۹-۱۹۱
- بوستانی، مهدی، کمال پولادی و مجید توسلی رکن‌آبادی، (۱۳۹۷)، «فرانظریه به عنوان ابزاری برای فهم جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۲۱-۳۶
- تقوی دامغانی، سیدرضا، (۱۳۷۸)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی

- جوانپورهرروی، عزیز، (۱۳۸۷)، «فلسفه‌ی مدیریت اسلامی»، نشریه فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره هفت، صص ۳۷-۴۸
- حجازی‌فر، سعید، (۱۳۹۶)، «رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی»، فصلنامه علمی، پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۱
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، روش تحقیق در مدیریت، تهران: انتشارات بازتاب، چاپ سوم
- خنیفر، حسین، (۱۳۸۴)، «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۵۱-۲۰۱
- دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۰)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار
- عابدی جعفری، حسن و همکاران، (۱۳۹۸)، «بررسی آثار مدیریت اسلامی در ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی: دوره تثبیت آثار (۱۳۷۷-۱۳۶۸)»، فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۱-۴۱
- عزتی، مرتضی، (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول
- عظیمی شوشتری، عباسعلی و حسین میرچراغی، (۱۳۹۶)، «اسلام و مبانی هستی‌شناسی علوم انسانی»، اولین همایش بین‌المللی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، شیراز، ایران
- فلاح‌پیشه، حشمت‌الله و مجتبی نوروزی، (۱۳۹۶)، «مبانی انسانی پیشرفت سیاسی از دیدگاه اسلام»، فصلنامه پژوهشی راهبردهای سیاست، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۵۹-۸۳
- فیاض، ابراهیم و محسن بدره، (۱۳۸۹)، «کاوشی در فرایندهای علوم اجتماعی و انسانی، ملزومات رفتن به سوی فرایندهای ورزی اسلامی»، دو فصلنامه علمی، پژوهشی دین و ارتباطات، سال هیجدهم، شماره اول، صص ۷۹-۱۰۹
- قنبری باغستان، عباس، (۱۳۹۲)، «به سوی تدوین یک چارچوب فرانظری برای اسلامی سازی علوم انسانی، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان»، سال سوم، شماره اول، صص ۱-۲۳
- کریمی بنادکوک، محمود، (۱۳۹۶)، مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی، پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال دهم، شماره دوم، صص ۲۳۱-۲۶۲
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۹۶)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، انتشارات راه دانش، چاپ چهارم، تهران
- مهدوی‌راد، محمدعلی و حسن صادقی (۱۳۹۳)، «تحلیل تعامل علم و عمل در مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن و حدیث»، فصلنامه علمی، پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، صص ۲۳۵-۲۶۱
- میرباقری، (۱۳۸۹)، سخنرانی استاد پیرامون مدیریت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی استاد میرباقری

کاربست رویکرد فراتئوری در نقد و بررسی کتب مدیریت ... (صادق حسنی مقدم و دیگران) ۹۵

نبوی، محمدحسن، (۱۳۷۶)، مدیریت اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
نبوی، محمدحسن، (۱۳۷۹)، «نقد و بررسی کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن"»، فصلنامه علوم انسانی، شماره دوم، صص ۱۶۵-۱۷۲
نجاری، رضا، (۱۳۸۷)، سخنرانی در "اولین دوره آموزشی- پژوهشی مدیریت اسلامی"، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)

سایت خبرگزاری مهر، (۱۳۸۲) به آدرس mehmews.com/news/43414 ۹۹/۰۸/۱۰

سایت انجمن علمی حوزه علمیه قم، (۱۳۸۷)، به آدرس <http://www.soim.ir/node/119> ۹۹/۰۸/۱۰

سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۸۶)، به آدرس <http://shmoton.ir> ۹۹/۰۸/۱۰

Bench, S, & Day, T. (2010) "The user experience of critical care discharges: a meta-synthesis of qualitative research", *International journal of nursing studies*, 47(4): 487-499.

Ritzer, G. (2001), *Explorations in social Theory, from Metatheorizing to Rationalization*. Sage Publication

Mark Gerard Edwards, (2008), *An Integral Metatheory for organizational Transformation*, University of Western, Australia

Miller, K. (2005). *Communication theories: Perspective, processes, and contexts*. New York: The McGraw-Hill Companies, Inc.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی